

شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۸ • ۴ شوال ۱۴۴۰ • ۸ ژوئن ۲۰۱۹

فرهنگ و هنر

به نقل از مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سید عباس صالحی امروز در مراسم رونمایی از سایت جدید خبرگزاری ایرنا با اشاره به سابقه این خبرگزاری از دهه‌های گذشته تا به امروز اظهار داشت: این خبرگزاری اتفاقات زیادی را در طول قدمت خود رقم زده است و این رونمایی نیز گام رو به جلویی محسوب می‌شود.

وی ادامه داد: ما باید در فضای رسانه‌ای به طور عام و در ایرنا به طور خاص به دنبال جریان‌سازی جدیدی باشیم، انتظار نخست ما برابلاع‌رسانی حرفه‌ای از سوی خبرگزاری‌ها است، این اولین وظیفه ذاتی یک خبرگزاری است که مؤلفه و متغیرهای خود را دارد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کرد: یکی از مؤلفه‌های مهم مولد بودن است، اینکه خبرگزاری چقدر به تولید محتوا می‌پردازد امری مهم است و درواقع رسانه باید میزان کارایی و تأثیرگذاری خود را در مولد بودنش نشان بدهد.

صالحی یادآور شد: یکی از ملک‌های مهم در اطلاع‌رسانی این است که به مولد بودن چقدر اهمیت می‌دهیم، در عین حال باید به حقوق رسانه هم توجه کرد و دید که منبع، مخاطب و اهداف رسانه برچه اساسی است، در اصل باید دید چقدر حقوق رسانه در این ایعاد تعریف شده و آن رسانه چقدر به این موضوع التزام دارد.

وی افزود: فناوری‌های امروز رسانه نیز باید به روز باشد زیرا رسانه که عقب ماندگی رسانه‌ای داشته باشد نمی‌تواند به صورت حرفه‌ای فضای لازم را برای مخاطب خود فراهم کند. ایرنا هم به خاطر قدمت و هم جایگاهش در نظام جمهوری اسلامی نیازمند حرفه‌ای شدن از نظر زیرساختی و نرم افزاری است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خاطرنشان کرد: رسانه یک نهاد اجتماعی است و با این نگاه رسانه نمی‌تواند مسئولیت ملی خود را نادیده بگیرد، گاهی در شرایط بحرانی کشور مثل سیل و زلزله وظایف رسانه مشخص می‌شود و امسال هم در آغاز سال با وجود بحران طبیعی سیل رسانه‌ها شبیه هالال احمر و دیگر نهاده‌ا که به کار اجتماعی پرداختند آنها نیز همین نقش را ایفا کردند، پس رسانه نهاد پشت خط نیست بلکه سر خط بحران‌هاست.

مهدی یزدانی خرم می‌گوید در نوشتن بی‌رحم است و تلاش می‌کند مخاطبش را با این بی‌رحمی همراه کند و این اقبال را داشته‌است.

نام مهدی یزدانی خرم در سال‌های اخیر همواره نامی پر سر و صدا بوده است، از نقدهای تند و هیجان‌انگیزش در موافقت و یا مخالفت با یک اثر ادبی و یا در برگزاری جوایز ادبی و با در مقام یک روزنامه‌نگار فرهنگی و یا در جایگاه سرورب‌استار یکی از موسسات بزرگ نشر در ایران. از او به تازگی سومین مجلد از سه‌گانه داستانی‌اش با عنوان «خون خورده» منتشر شده است. داستانی عجیب از سرگذشت پنج انسان به تعبیر او گم شده در دل تاریخ. این رمان پس از انتشار با استقبال قابل توجهی از سوی مخاطب‌ا همراه شده است که به تعبیر نویسنده در اظهارنظرهایش در فضای مجازی برای وی نیز هیجان‌انگیز است. به بهانه انتشار این رمان با وی گفتگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید

*** «خون خورده» سومین جلد از سه‌گانه داستانی شماست. اما شاید برای مخاطبان این مجموعه که به نظرم در هر جلد بیشتر از قبلی هم شده مهم باشد که جدای از متن بدانند شما به عنوان نویسنده در دل این همه قصه و نماد و آدم و اسطوره در این سه رمان دنبال زدن چه حرفی هستید؟ چه حرفی که باید قالبیش چنین می‌بوده است

رمان – «من منچستر یونایتد را دوست دارم» به عنوان جلد اول این سه‌گانه را در اواخر سال هشتاد نوشتم و در شرایط خاصی این اتفاق افتاد. جامعه از لحاظ سیاسی و اجتماعی ملتهب بود و من هم از آن بی نصیب نبودم. هم به خاطر شغل و هم به خاطر دغدغه‌های خودم. من این زمان آدمی‌ای داشتم که چند گلوگاه مهم زمانی تاریخی ایران را به کشتلی و ریتمی تند روایت کنم و خیلی تصویری و خشن. البته این خشن بودن در ذات این رویدادها بود. رمان «من منچستر…» از دل چنین فضایی بیرون آمد و آدم‌های متعددی داشت که شخصیت تشنه بودند و اسم نداشتند و همه در دهه بیست مشرف می‌شدند، کشته می‌شدند، گم می‌شدند و بلایی سرشان می‌آمد. این آدم‌های در دهه بیست تا ۲۵ مرداد ۳۲ در داستان آمدند. کتاب با نظرات مختلفی روبرو شد اما در نهایت زنده ماند و به چاپ نهم رسید که برای خود من هم جالب بود. در رمان «سرخ سفید» قصه در سال اول پس از انقلاب شکل می‌گرفت. حالا دیگر آدم‌ها شخصیت شده بودند، اسم داشتند. در «خون خورده» به شش شخصیت اصلی رسیدم. این رمان پلات ندارد و در رمان بعدی‌ام که فعلاً اسم آن «سرخ سرخ» است به اواخر دهه شصت رفته‌ام که البته هنوز باید نوشته شود و سوال بلایی خواهد داشت.

خب. همنو به پاسخ سوال نرسیدیم. در رمان‌های شما شخصت‌ها و آدم‌ها به کرات وارد داستان می‌شوند و حیاتی می‌بینند و بعد از دل داستان خارج می‌شوند و به قول شما مصرف می‌شوند. چرا آدم‌ها در دل رمان‌های شما اینقدر مصرفی و زود از بین رو هستند. در تعاریف کلاسیک رمان صحبت از خوانش روند زندگی یک فرد و یک زندگی و یا یک خواننده در رمان است و در کارهای آوانگاردی مانند کار شما آدم‌ها و سرگذشتشان بخشی جزئی از یک حس بلند هستند – ذهنیت من هم همین است. خوانش من از تاریخ ایران به این

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

رسانه‌ها نقش ملی خود را در جنگ اقتصادی بیشتر ایفا کنند



صالحی بیان کرد: در بحث اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی و دیگر آسیب‌های اجتماعی رسانه یک نهاد اجتماعی است که سر خط این اتفاقات باید حرکت کند. در بخش بین‌المللی نیز ممکن است گاهی کشور با بحران‌هایی مواجه شود، در شرایط ویژه‌ای که یک کشور می‌تواند در معرض خطرهای فراوان و اتفاقات تلخ باشد در همین زمان رسانه جز نهادهای سر خط است که باید تأثیرگذاری خود را نشان دهد.

وی اضافه کرد: بحران امنیت ملی امروز در حال تهدید ما است و این یک واقعیت است و گراف هم نیست، جنگ اقتصادی که امروز به راه افتاده همچون جنگ هشت ساله است که ما شرایط آن را نداشتیم. این جنگ اقتصادی امروز قدم به قدم پیش رفته و دشمن در تلاش است که ما را در این بخش زمین‌گیر کند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: در این شرایط نباید بگذاریم منابع تحریمی ما را تحت تأثیر خود قرار دهد، مبادلات پولی و بانکی امروز ما تحریم شده و حوزه تولید ما را نیز تحت فشار گذاشتند و سرمایه‌گذاران خارجی را از ورود به ایران منصرف کردند، درواقع دشمن می‌خواهد فضای اقتصادی ایران را به سمت زمین‌گیر شدن برود.

صالحی ادامه داد: در این چهارسال مسیر سختی طی شده اما باوجود سختی‌های فراوان؛

گفتگو با مهدی یزدانی خرم: نویسنده بی‌رحمی هستم

حماسه یعنی چگونه مردن نه زیستن

شکل بوده که آدم‌ها خیلی زود مصرف شده و گم می‌شوند و شرایط تاریخی آنها را در خود هضم می‌کند. این اتفاق در سال‌های قبل و بعد از انقلاب خیلی دیده شده است. من نویسنده چنین آدم‌هایی

هستم که البته گاهی عمر طولانی دارد. من در رمان‌هایم آدم‌هایی را معرفی می‌کنم که تاریخ روی آنها تأثیر می‌گذارد و من می‌گردم و برای قصه گفتن آنها را پیدا می‌کنم. من به خواندن خاطرات و اسناد خیلی علاقه دارم. مشتری اصلی بسیاری از کتاب‌های اینچنینی مرکز اسناد انقلاب و بنیاد حفظ آثار هستم. دنبال آدم‌هایی هستم که رنج و شوخی تاریخ با آنها بیشتر از بقیه بوده است. از طرف دیگر معتقدم نویسنده در داستان نباید قصه‌های خودش را روایت کند و این قصه‌ها برای یک جلد کافی است. من سعی می‌کنم چیزهایی را روایت کنم که رنگ خودم را دارد و از خودم هم دور نیستمند.

البته دو شخصیت ثابت در قالب دو روح در رمانت آمده‌اند، این دو شاهدان روایت‌هایت در هر سه رمان هستند و همیشه حضور داشته‌اند.

بله. تار زمانی که بنویسم احتمالاً اینها در رمان‌هایم هستند. این دو شاهد و مفصل رمان من هستند. رمان بعدی‌ام هم با خواب دیدن یکی از این دو روح شروع می‌شود و شکه می‌شود که این چیست که دارم می‌بیند. این دو روح شاهد تراژدی‌های من هستند و البته نمادی هستند برای پوزخند دیمز یون بد تاریخ.

«چرا این آدم‌ها همه بی‌تاریخ و بی‌نوشونت هستند؟ این ضرورت داستان توسست و یا در دل تاریخ این را پیدا کرده‌اید؟ –تاریخ ایران تاریخ جوانمرگی است. ما تمام مرثیه‌هایمان از قاجار تا الان حتی در قالب سرودهای ملی و میهنی و حتی مارش‌های نظامی دوران دفاع مقدس با این تم سروده شده‌اند. نوحه «همد نبودی ببینی…» را مرور کنید. من به اینها نمی‌توانم بی‌تفاوت باشم. «تاریخ ما به همنی میزان که گفتید تاریخ حماسه هم هست، جوانمرگی در واقع مظهر حماسه است اما در زمانی مانند «خون خورده» و حتی «سرخ سفید» خبری از حماسه نیست و تلخ و سرد است

__خیلی از تکه‌های تاریخی که شما گفتید و گفتم را حماسی نمی‌بینم اما مرگ بسیاری از شخصیت‌ها در تاریخ ما حماسی است. من در خون خورده شخصیتی دارم به اسم ابوالحسن که خیلی دوستش دارم. او یک سرباز ایرانی است که در راه نجات بخشی از زنان اسیر مانده در منطقه جنوب ایران کشته می‌شود، این چنین تک مضراب‌هایی را من حماسه می‌بینم.. این را هم بگویم که تاریخ برای من تراژدی است و من هم آدم تراژدی هستم نه حماسه.

__یعنی حماسه برایت معنی ندارد یا اینها را حماسه نمی‌بینید؟ __ببیند ماجرای صلاح‌الدین ایوبی که در رمان خون خورده به آن اشاره شده است برای من حماسه است. برای من نکشتن حماسه است. کاری که صلاح‌الدین کرد. این جنسی از حماسه است که من می‌فهمم و دوست دارم. کشیشی که در این رمان سرش قطع می‌شود برای من حماسه است. سربازی که در رمان من منچستر یونایتد جلوی سربازهای انگلیسی می‌ایستد و کشته می‌شود حماسه است. بگزارد این را بگویم که برای من حماسه در چگونه مردن تعریف

روانی علیه ایران بسیار گسترده شده و اگر قرار است دشمن در رویاهای خود به ما لطمه بزند به دنبال تغییر رژیم سیاسی ایران نیست بلکه تمامیت ارضی را مدنظر دارد زیرا ایران بزرگ برای برخی کشورهای عربی اطراف خار چشم است و سعی می‌کنند ایران چند تکه شود، بنابراین این یک تهدید تمامیت ارضی است نه رژیم سیاسی. وی یادآور شد: با این نگاه در ماه‌های اخیر و تلاش‌های ترامپ، بولتون و اسرائیل نشان می‌دهد که دشمن به دنبال هدف‌گذاری است، سه نشست سران در فاصله زمانی خیلی کم یعنی یک توپخانه پر از آتش به سمت ما هدف گرفته شده است، این یک واقعیت است و این موضوع را بیشتر انباشته می‌کند تا ایران هراسی و انزوا را برای ما پدید بیاورد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: جنگ روانی رسانه‌ای که به انزواى ما در سطح جهان و ایجاد اختلاف در داخل کمک می‌کند در اجزا جنگ رسانه‌ای فعلی قرار دارد. پس رسانه‌ها باید سهم ملی خودشان را بیش از پیش ایفا کنند، ایرنا در این قسمت این سابقه را داشته و ستاد اطلاع‌رسانی جنگ در همین ایرنا صورت می‌گرفت، اتاق جنگ ما در هشت سال دفاع مقدس در ایرنا بود و چنین جایگاهی در حفاظت از منافع ملی داشت.

صالحی در مورد نقش ایرنا توضیح داد: به نظر می‌آید ایرنا با این سابقه با اتکا به ظرفیت موجود و جدید و پتانسیل فعلی به این نکته توجه مضاعف داشته باشد، به نظر می‌آید ما در این نگاه به سرمایه اجتماعی مردم خودمان رجوع کنیم پایداری مستمر در مقابل این همه‌جاها و توطئه‌ها زمانی ممکن است که سرمایه‌های اجتماعی تقویت شود، این سرمایه اجتماعی می‌تواند اعتماد مردم به مردم باشد یعنی مردم نسبت به هم بیشتر کمک کنند.

وی خاطرنشان کرد: در فضای سیل مردم نشان دادند چگونه به کمک هم آمدند پس ما باید لحظه‌های کمک را صید کنیم و این نقطه‌ها را به هم وصل کنیم. در یک جهانی علائمی وجود دارد که می‌توان آن را گسترش داد. در سرمایه اجتماعی اعتماد مردم به مردم خیلی می‌تواند کمک‌کننده باشد به شکلی که مردم احساس تنهایی نکنند. این موضوع به پایداری مردمی کمک شایانی خواهد کرد.

صالحی با بیان اینکه بحث روانی و رسانه‌ای نیز بسیار مهم است، افزود: در ماه‌های اخیر جنگ

گفتگو با مهدی یزدانی خرم: نویسنده بی‌رحمی هستم



می‌شود و نه در چگونه زندگی کردن.

«شما در این سه رمان از روایت‌ها و ساختارها و بیان رسمی از جنگ و انقلاب اسلامی فاصله می‌گیرد و روایت خاص خودتان را آدم‌ها در بستر آن ارائه می‌کنند. کسانی که از دل داستان‌ها شما به

دنبال مرور تاریخ باشند در واقع در حال مرور چه هستند؟ __روایت رسمی همانطور که از اسمش مشخص است روایت رسمی است و برای تقویم ساخته شده است. به درد داستان‌نویس نمی‌خورد. قصه‌های من البته از دل روایت‌های رسمی می‌آید اما به آنها ربطی ندارد. برای من در روایت قصه‌ای اهمیت دارد که بتوانم به روایت رسمی اضافه کنم، اگر در این کار موفق شوم موفق شده‌ام. مثل یک نویسنده بزرگ موفق شده‌ام. من می‌توانسمم یک داستان رسمی درباره جنگ و تاریخ بنویسم اما اینکار را نکرده‌ام. برای من چیز دیگری در دل این روایت‌های رسمی است که اهمیت دارد. «سه رمان شما وقتی کنار هم قرار می‌گیرند و قصه آنها را که مرور می‌کنیم به مساله‌ای بر می‌خوریم که انگار شما به نوعی سعی دارید با کمک گرفتن از تاریخ و حماسه ادبیات را از شکل بی‌خاصیت بدایمی و نویسنده کار خودش را می‌کند و مخاطب هم طرف خودش را از آن می‌چیند. نظر شما درباره این موضوع چیست؟

__ادبیاتی که خون نریزد، رنج و غم نسازد و بافت عاطفی مغز خواننده را تحریک نکند برای من ادبیات بی‌ارزشی است و بود و نبودش اهمیت ندارد. قبول دارم که هفتاد هشتاد درصد ادبیات تولید برای تفریح است و بی‌منظر همین است. این هشتاد درصد جنس نازلی از ادبیات هستند و اگر نویسنده‌گانش هم این تعریف را نپذیرند برایم مهم نیست. این نظر من است. من رمان نویسی را براهنی و مدرس صادقی و گلستان یاد گرفتند و عاشق سیلن و زولا و کوئنتر گراس هستم. اینها نویسنده‌هایی هستند که مخاطب خود زخم می‌زنند و خارج از هر فضائوی، احضار کننده ارواح در داستان هستند. من هم در فضایی پر از آشوب بزرگ شده و کار کرده‌ام و مدام در حال تحلیل درباره تاریخ ایران و خاورمیانه هستم. برای همین روشن است که در نوشتن بی‌رحم‌هایم و تلاش می‌کنم مخاطبم را با این بی‌رحمی همراه کنم و خوشبختانه این اقبال را داشته‌ام. در زمانی که گرم‌ای خون و تصویر مرگ و تراژدی عشق را نبینیم برای من ارزشی ندارد.

مشاهده‌بیش‌تر.

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

نه گفتن را یاد بگیرید. اگر مثقالی عقل در کلماتان باشد یک نه می‌گویید و کلاً خیال‌تان را راحت می‌کنید. در فیلم ترسناک پرستاری بچه معادل خودکشی تمام با اعمال شاقه با دستمزد ساعتی هفت دلار است. بازی بسیاربسیار خطرناکی است. از آن‌هایی که به قول جاشوا (قهرمان فیلم بازی‌های جنگی نه آن قدیس صاحب کتاب)، «تنها راه بردنش بازی نکرده». مخاطره‌آمیز بودن پیشه پرستاری بچه یک‌پارم واضح و بدیهی کار من. با این‌همه به نظر می‌رسد برای بسیاری از بازگشتگان از نوجوانان میل به چنگ آوردن چند دلار بیش‌تر قوی‌تر از میل به زندگی است.

اخبار

محاکمه نجفی و رسانه‌هایی که اعتماد مردم را به مسلخ می‌برند!

بعضی ماجراها به‌اندازه کافی تلخ هستند، ماجرای قتل همسر دوم محمدعلی نجفی، سیاستمدار عضو حزب کارگزاران که مدت زیادی هم از حضور وی در قامت شهردار تهران نمی‌گذرد از آن دست ماجراهاست. شاید امروز نه‌تنها اصلاح‌طلبان که برای تظهير وجهه او سنگ تمام گذاشته‌اند، بلکه چهره‌های اصولگرا و کسانی که به لحاظ شرایط گرایش سیاسی رقیب محسوب شوند هم آرزو داشتند که این اتفاق نیفتاده بود و فردی مثل نجفی را در از آزادی کامل و احیاناً در پست‌های سیاسی دیگری می‌دیدند و آن‌ها هم در قامت یک سیاستمدار او را نقد می‌کردند.

این‌یک اصل اساسی است که فضای سیاسی زمانی شکوفا و پالنده خواهد شد که دامن آن با لکه‌های سیاه چرکین نشود، تلخی ماجرای قتل نجفی هم از همین روست. پرونده قضائی شهردار سابق تهران علاوه بر تلخی‌های آشکار و پنهانش حساسیت‌های زیادی هم دارد، یکی از این حساسیت‌های آن به‌ویژه به لحاظ بعد رسانه‌ای نقش آن در حفظ یا از دست رفتن اعتماد مردمی به کارگزاران دولتی و مسئولان کشور است.

خطاهای ریزودرشت رسانه‌ها در ماجرای نجفی

به‌عبارت دیگر موضوع مهمی که این روزها بیش از پرونده قضائی نجفی اهمیت دارد نحوه برخورد رسانه‌ها با اخبار و حواشی این پرونده است، چراکه اخبار این پرونده (مبتنی بر ارزش‌های خبری همچون تازگی، شهرت، برخورد و شگفتی) خوراک خوبی برای جذب مخاطب است. آن‌قدر که حتی بخش خبری سازمان صداوسیما هم که گاهی توسط منتقدانش منتهب به پوشش ندادن وقایع مهم دیگر می‌شود در این ماجرا تلاش کرد سنگ تمام بگذارد و قضیه را با دست برتر خود در پوشش تصویری (تولیزوینی) به‌طور کامل به مخاطبانش نشان دهد، درحالی‌که همین انعکاس خبری در ابتدا موج سنگینی از نقدها را به‌طرف این سازمان روانه کرد و بعد از آن شنیده شد که از سوی دستگاه قضائی هم قرار است برای سازمان صداوسیما پرونده‌ای تشکیل شود که البته برخی منابع فقط به موضوع قصد شکایت محمود علیزاده طباطبایی، وکیل نجفی از این سازمان اشاره کردند.

صداوسیما تنها رسانه‌ای نبود که در پوشش خبری پرونده نجفی دچار حاشیه شد، از همان ساعات‌های ابتدای خبر قتل مینرا استاد، رسانه‌های زیادی دچار خطای عملکردی شدند و با اعتراف نجفی به قتل هم این خطاها به اوج رسید.

برخی رسانه‌ها و چهره‌های شاخص رسانه‌ای تهمت‌های ناروا به مقتول زدند درحالی‌که چنین مسائلی که هنوز اثبات نشده است و فقط از زبان یک فرد منتهب به قتل منسوب به فرد مقتول شده است. برخی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران حامی نجفی حکم صادر کردند که فرد مقتول علاوه بر نقش همسری در زندگی نجفی در ارتباط با فرد یا نهادهایی بوده است که برای او مأموریت کسب اطلاعات از زندگی شهردار سابق را تدارک دیده بودند. موضوعاتی که هرکدام برای اثباتش باید ماه‌ها و کلاى پرونده در دادگاه مستندات ارائه کنند.

نجفی تا اطلاع ثانوی فقط «منتهم» است

در پرونده نجفی باوجودی که او خودش به قتل اعتراف کرده است و مأموران اداره آگاهی هم از همان لحظات اول به‌وسیله شم پلیسی، همسر مقتول را به‌عنوان مظنون اصلی پرونده می‌شناختند. اما اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری اقتضا می‌کرد تا قبل از صدور رأی دادگاه صالحه به جرم یک نفر فقط او را منتهب به قتل یا هر موضوع دیگری معرفی کنند؛ با این وصف نشان دادن تصاویر نجفی توسط صداوسیما در آن لحظات یک خطای رسانه‌ای محسوب می‌شد.

درحالی‌که این خطا زمانی بزرگ‌تر و تأثیرگذارتر شد که رسانه‌های مختلف و البته چهره‌های رسانه‌ای در صفحات شخصی خود آن تصاویر را بازنشر کردند. درحالی‌که از هیچ نرم‌افزار ویرایشگر ویدئویی هم استفاده نکردند تا حداقل خطای رسانه مرجع بازنشر گسترده پیدا نکند. این موضوع زمانی قابل‌تأمل می‌شود که بسیاری از بازنشر کننده‌های این چند ویدئو خبرگزاری صداوسیما همواره منتقد رسانه ملی بوده‌اند و در همان مقطع به تقبیح پخش این تصاویر از تلویزیون هم پرداختند و قضیه را حتی از لحاظ اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری موردبررسی قرارداندند.

لگوی مناسب در بازنشر ویدئوهای جنایت‌های فجیع داعش

به‌طور حتم بخشی از حرفه‌ای شدن فضای رسانه‌ای کشور به این موضوع برمی‌گردد که یک اشتباه رسانه‌ای دستاویز اغراض سیاسی و جناحی نشود آن‌هم در شرایطی که همان رسانه‌ها در بازنشر آن اشتباه همت کرده باشند. مثال مشابهی از این قضیه را می‌توان در ویدئوهای جنایت‌های فجیعی دید که گروه تورریستی داعش انجام داد، اما رسانه‌های بین‌المللی و البته بخشی از رسانه‌های داخلی با استفاده از نرم‌افزارهای ویرایشگر ویدئویی مانع از این شدند که خشونت‌های فجیع و عریان جنایت‌های این گروه بازنشر گسترده‌ای پیدا کند.

شتاب‌زدگی هزینه محاکمه را سنگین می‌کند

در شرایط کنونی هم که پرونده جنایی شهردار سابق تهران در جریان است، به نظر می‌رسد مهم‌ترین اقدام در مسیر حفظ اعتماد مردم باید از سوی خود رسانه‌ها صورت گیرد البته در گام بعد اگر شخصی یا رسانه‌ای اشتباه کرد فعالان رسانه‌ای باید اجازه دهند که نهادهای قانونی به آن رسیدگی کند. چراکه هر نوع شتاب‌زدگی در واکنش نشان دادن نسبت به حواشی این پرونده حاصلی ندارد جز اینکه رسیدگی به این پرونده را سخت‌تر یا هزینه پیش برد آن را سنگین‌تر کند.

در این پرونده شخصیت‌های سیاسی و سلب‌ریتمی‌هایی که حامی نجفی به‌عنوان یکی از بزرگان اصلاح‌طلب هستند هم باید به‌اندازه فعالان رسانه‌ای توجه داشته باشند که هر نوع موضع‌گیری‌شان می‌تواند باعث اعتمادآفرینی در مردم یا برعکس سلب آن شود؛ به‌عنوان‌مثال به‌تازگی یکی از چهره‌های روحانی و از منسوبان به اصلاح‌طلبان با دیدن اولین تصاویر از حضور نجفی در مقابل دوربین‌های عکاسی و دوربین‌های تلفن همراه خبرنگاران در صفحه شخصی خود (اینستاگرام) محتوایی منتشر کرد که این حضور خبرنگاران را به کفتارهایی تشبیه کرده بود که در حال کندن تکه‌هایی از گوشت شکار خود هستند.

جای محاکمه دادگاه‌ا است نه اینستاگرام!

محتوای یادشده این روحانی جوان به‌سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد و برخی هم به‌وسیله مضمون آن تحلیل‌ها ارائه دادند که محاصل آن اثبات این گزاره بود که خبرنگاران افرادی فرصت‌طلب هستند. اما خیلی زود مشخص شد که این مصاحبه در اول به‌اول ها بهانه‌گی مسئولان دادسرای جنایی بوده است و از نجفی هم به‌عنوان متهم پرونده در خصوص تمایزش به مصاحبه اجازه گرفته‌شده بود. جالب آنکه نجفی هم یکی از دلایل تمایزش به مصاحبه را معطلی چندساعته خبرنگاران پشت درهای بسته اتاق محاکمه خودش عنوان کرده بود و با قبول مصاحبه خواست تا از حضور خبرنگاران قدردانی کند.

اما حتی با این پیش‌فرض که مصاحبه خبرنگاران با متهم اشتباه به آن شکل اشتباه بود، یک شخصیت سیاسی آن هم ملیس به لباس روحانیت اگر می‌خواست تذکری هم بدهد می‌بایست با رعایت شأن حرفه‌ای خبرنگاران این کار را انجام می‌داد چراکه هر نوع تلاشی برای بی‌اعتماد شدن جامعه به خبرنگاران و به‌تبع رسانه‌هایی که آن‌ها در آن قلم می‌زنند گامی مؤثر است برای اینکه مردم بی رسانه‌ها بی‌اعتماد شوند و زمینه برای جذب مخاطب رسانه‌های بی‌هویت مهیا شود.

بعد از آن‌هم باید به‌اندازه همان‌طور که امروز بزرگ‌ترین متهمان اقتصادی در دادگاه‌ها این کشور محاکمه می‌شوند، همان‌گونه که یکی از بلندمرتب‌ترین شخصیت‌های سیاسی بعد انقلاب اسلامی به اتهام قتل همسرش در حال محاکمه است، اگر خبرنگاری هم مرکب خطا، تخلف و جرمی شود جای رسیدگی و محاکمه آن در نهادهای قانونی مربوطه است.

تبلیغ «اخذ ویزای تضمینی» ممنوع شد

اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران با هشدار نسبت به سودجویی و برخی سوءاستفاده‌های مالی، تبلیغ برای اخذ ویزای تضمینی را غیرقانونی اعلام و آژانس‌های مسافرتی را از اقدام در این‌خصوص منع کرد.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران در نامه‌ای خطاب به رؤسای انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرتی هوایی و جهانگردی ایران و انجمن صنفی دفاتر سفر و گردشگری استان تهران و سایر دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری اعلام کرد: «با توجه به گزارش‌های واصله و همچنین تعدد شکایت‌های مطرح شده درباره تبلیغ و ارائه خدمات با عنوان «اخذ ویزای تضمینی»، بدین‌وسیله اعلام می‌دارد از آنجا که تعهد ویزای تضمینی کشورها از جمله کانادا، استرالیا و حوزه شنگن، «غیرقانونی» بوده واین امر صرفاً با هدف سوء استفاده مالی توسط برخی افراد سودجو صورت می‌گیرد، لذا مقتضی است اطلاع‌رسانی مناسب به دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری تحت پوشش صمت بر جلوگیری از هر گونه تبلیغ و اقدام به اخذ ویزا با عنوان تضمینی صورت گیرد تا از بروز مشکلات احتمالی اجتناب شود.

بدیهی است در صورت وصول هرگونه گزارش یا شکایت با این موضوع، مراتب جهت اتخاذ تصمیم به کمیسیون فنی ارجاع خواهد شد.»

	این‌آینامه مربوط به دفاتر خدمات مسافرتی مصوب هیات‌دولت در سال ۱۳۸۰، «اخذ ویزا» جزء فعالیت آژانس‌های گردشگری قید شده است. بر این اساس و با وجود تخلفات این بخش که سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گاه به آن اذعان دارد، معاون گردشگری علت ضعف در برخورد با تخلفات این حوزه را خلأ قانونی این مصوبه ندانسته و گفته است: «تا زمانی که این آئین‌نامه اصلاح نشده، گرفتن این حق از آژانس‌های گردشگری، اقدامی «غیرحقوقی» است.»
	ولی تیموری درباره برخی سودجویی‌ها در موضوع تبلیغ و اقدام برای اخذ آن، اظهار کرده بود: «در جریان نحوه کار آژانس‌هایی که ویزا را گران می‌فروشند هستند، آن‌ها چون خودشان نمی‌توانند مستقیماً از سفارتخانه‌ای ویزا دریافت کنند
	ویزا را با واسطه و از طریق آژانس دیگری می‌خرند. این میان یکسری آژانس‌ها هم با سفارتخانه‌ها مستقیم در ارتباط هستند که بازار را با مشکل روبه‌رو کرده‌اند. اتفاقا یکی از بحث‌ها‌ی ما با وزارت خارجه درباره محدود شدن روابط برخی سفارتخانه‌ها با یکسری آژانس خاص بود. سفارتخانه‌ای داریم که فقط با یک آژانس کار می‌کند. از وزارت خارجه ایران پرسیدیم آیا از نظر حقوقی می‌توانیم جلو این کار را بگیریم که گفتند چر این در حوزه اختیار آن کشور است نمی‌توان اقدامی کرد، چون ویزا عملاً در اختیار کشور صادرکننده است. برای همین تنها توصیه‌ای که می‌توانیم به مردم بکنیم تا زمانی که آئین‌نامه اصلاح شود این است که برای گرفتن ویزا فقط به یک آژانس مراجعه نکنند و بیشتر پرس‌وجو کنند.»